

ب) طرح تحقیق

۱- مقدمه

سوریه پس از فروپاشی نظام سیاسی حاکم بر این کشور در دسامبر ۲۰۲۴، وارد مرحله‌ای نوین از گذار تاریخی شده است؛ مرحله‌ای که در آن، مسئله محوری دیگر صرفاً پایان منازعه یا جابه‌جایی قدرت نیست، بلکه بازتعریف بنیان‌های حاکمیت، بازآرایی ساخت قدرت، و امکان‌پذیری استقرار نظامی سیاسی-امنیتی پایدار در متنِ برهم‌کنش نیروهای داخلی و رقابت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است.

با این همه، واقعیت‌های میدانی و ساختاری نشان می‌دهد که سوریه در مرحله گذار پسا اسد همچنان با مجموعه‌ای از بحران‌های انباشته و گره‌های راهبردی مواجه است؛ بحران‌هایی که از سطح امنیتی صرف فراتر رفته و در **لایه‌های نهادی، اجتماعی و اقتصادی** امتداد می‌یابند. شکنندگی امنیت در مناطق بیابانی (بادیا) و شرق کشور، پیچیدگی‌های حقوقی-نهادی ادغام شمال شرق، مسئله زندانیان و اردوگاه‌های مرتبط با داعش و پیامدهای آن برای احیای چرخه افراط‌گرایی، شکاف‌های قومی-مذهبی و اجتماعی (از جمله در میان قبایل عرب و اقلیت‌های مذهبی)، فرسودگی اقتصاد ملی و وابستگی به سرمایه‌گذاری خارجی مشروط، و گسترش اقتصاد خاکستری و شبکه‌های غیررسمی مرزی، همگی مؤید آن‌اند که اگرچه مؤلفه‌هایی از بازسازی «حاکمیت سرزمینی» قابل مشاهده است، اما تحقق «ثبات پایدار، حکمرانی فراگیر و توسعه اقتصادی متوازن» هنوز در معرض عدم قطعیت‌های عمیق قرار دارد. در مقابل، وضعیت مطلوب در افق پنج‌ساله (تا ۲۰۳۱) را می‌توان در قالب سوریه‌ای با ثبات نسبی امنیتی، ادغام نهادی نیروهای مسلح و انتظام در زنجیره فرماندهی، کنترل مؤثر مرزها، مهار تهدیدهای تروریستی، مشارکت اجتماعی نیروها و گروه‌های قومی-مذهبی و قبایلی در فرایند حکمرانی، کاهش اقتصاد غیررسمی، جذب پایدار سرمایه‌گذاری خارجی و شکل‌گیری نظامی سیاسی پیش‌بینی‌پذیر تعریف کرد؛ وضعیتی که تحقق آن، منوط به مدیریت هم‌زمان چند شرط کلیدی—از جمله ادغام موفق شمال شرق، حل و فصل پایدار پرونده زندانیان داعش، اصلاح ساختارهای امنیتی، مهار رقابت‌های منطقه‌ای، و استقرار سازوکارهای اعتمادساز میان دولت و جوامع محلی است.

از منظر روش‌شناسی و در افق تحلیل آینده‌پژوهانه، مسئله اساسی آن است که سوریه در بازه ۲۰۲۶ تا ۲۰۳۱ با چه مسیرهای تحول و چه «آینده‌های بدیل» مواجه خواهد بود و کدام ترکیب از پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های بحرانی می‌تواند جهت‌گیری تحولات را به سمت تثبیت تدریجی یا تداوم شکنندگی، و حتی بازتولید بحران سوق دهد. بدین اعتبار، اتکا به تحلیل‌های گذشته‌نگر یا برآوردهای خطی، کفایت تبیینی لازم برای فهم پویایی‌های این دوره گذار را ندارد؛ زیرا آینده سوریه برآمد تعامل هم‌زمان پیشران‌های امنیتی، سیاسی-نهادی، اجتماعی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی و نیز متغیرهایی است که به‌رغم اهمیت راهبردی، از حیث جهت‌گیری و پیامد نهایی دچار عدم قطعیت‌اند. بنابراین، بهره‌گیری از رویکرد آینده‌پژوهی و روش سناریونویسی اکتشافی ضرورتی تحلیلی و علمی می‌یابد.

بر این اساس، پژوهش حاضر با تمرکز بر شکاف میان :

«وضعیت موجود سوریه در سال ۲۰۲۶» و «وضعیت مطلوب ثبات و حکمرانی پایدار در سال ۲۰۳۱»، در پی آن است که سناریوهای محتمل آینده سوریه پس از اسد را ترسیم و تبیین کند و پیامدهای هر سناریو را برای ثبات داخلی، امنیت منطقه‌ای و بازسازی اقتصادی مورد تحلیل قرار دهد؛ به نحوی که ضمن کاهش ابهام و عدم قطعیت در مواجهه با تحولات پیش رو، امکان ارزیابی راهبردی روندها، نقاط عطف و مسیرهای سیاستی قابل توصیه در دوره گذار فراهم شود.

۲- بیان مساله

تحولات سوریه پس از سقوط حکومت بشار اسد در دسامبر ۲۰۲۴، این کشور را وارد مرحله‌ای جدید از بازآرایی قدرت، بازتعریف حاکمیت و بازسازی نظم سیاسی-امنیتی کرده است. در شرایط کنونی (۲۰۲۶)، دولت انتقالی به رهبری احمد الشرع در حال تثبیت کنترل سرزمینی، ادغام نیروهای مسلح محلی (به‌ویژه نیروهای دموکراتیک سوریه)، مدیریت تهدیدهای باقی‌مانده داعش، ساماندهی مجدد ساختارهای امنیتی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، به‌ویژه از سوی عربستان سعودی و کشورهای خلیج فارس است. همزمان، خروج نیروهای ایالات متحده از پایگاه راهبردی التنف و کاهش حضور نظامی آمریکا، توازن ژئوپلیتیکی جدیدی در سوریه ایجاد کرده که در آن بازیگران منطقه‌ای همچون ترکیه، اسرائیل، ایران و کشورهای عربی هر یک در پی بازتعریف نقش و منافع خود هستند.

با وجود این تحولات، وضعیت موجود سوریه همچنان با چالش‌های ساختاری عمیق مواجه است: شکنندگی امنیت در مناطق بیابانی (بادیا) و شرق کشور، پیچیدگی روند ادغام شمال شرق، مسئله زندانیان و هسته‌های خاموش داعش، شکاف‌های اجتماعی و قومی-مذهبی (از جمله در میان علویان و قبایل عرب)، اقتصاد فرسوده و وابستگی به سرمایه‌گذاری خارجی مشروط، گسترش اقتصاد غیررسمی و قاچاق در مرزها، و استمرار رقابت‌های منطقه‌ای در خاک سوریه. این وضعیت نشان می‌دهد که اگرچه «حاکمیت سرزمینی» تا حدی بازسازی شده، اما «ثبات پایدار، حکمرانی فراگیر و توسعه اقتصادی متوازن» هنوز تحقق نیافته است.

در مقابل، وضعیت مطلوب در افق پنج‌ساله (تا ۲۰۳۱) را می‌توان در قالب یک سوریه دارای ثبات نسبی امنیتی، ادغام نهادی نیروهای مسلح، کنترل مؤثر مرزها، مهار تهدیدهای تروریستی، مشارکت اجتماعی گروه‌های قومی-مذهبی و قبایلی در ساختار حکمرانی، کاهش اقتصاد خاکستری، جذب پایدار سرمایه‌گذاری خارجی و شکل‌گیری نظم سیاسی پیش‌بینی‌پذیر تعریف کرد. چنین وضعیتی مستلزم تحقق هم‌زمان چند شرط کلیدی است:

- مدیریت موفق ادغام شمال شرق

- حل و فصل پایدار پرونده زندانیان داعش
- مهار رقابت‌های منطقه‌ای
- اصلاح ساختارهای امنیتی
- ایجاد سازوکارهای اعتمادساز میان دولت و جوامع محلی

مسئله اصلی این پژوهش در چارچوب آینده‌پژوهی، شناسایی و تبیین شکاف میان «وضعیت موجود سوریه در سال ۲۰۲۶» و «وضعیت مطلوب ثبات و حکمرانی پایدار در سال ۲۰۳۱» است. این شکاف نه تنها ناشی از ضعف‌های داخلی در ساختار دولت‌سازی و بازسازی اقتصادی است، بلکه از متغیرهای بیرونی همچون بازتعریف نقش آمریکا، سیاست‌های ترکیه در شمال، حساسیت‌های امنیتی اسرائیل نسبت به نفوذ ایران، و جهت‌گیری سرمایه‌گذاری عربستان نیز تأثیر می‌پذیرد.

از منظر آینده‌پژوهی، مسئله اساسی این است که سوریه در افق پنج‌ساله با چه سناریوهایی مواجه خواهد بود: آیا مسیر آن به سمت تثبیت تدریجی دولت و جذب سرمایه‌گذاری و مهار تهدیدهای امنیتی خواهد رفت؟ یا در وضعیت «ثبات شکننده» با ناامنی‌های مقطعی و اقتصاد نیمه‌رسمی باقی خواهد ماند؟ و یا رقابت‌های منطقه‌ای و شکاف‌های داخلی به بازتولید بحران‌های امنیتی منجر خواهد شد؟

در غیاب تحلیل سناریومحور و آینده‌نگر، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران داخلی و منطقه‌ای فاقد چارچوبی نظام‌مند برای درک روندهای پیشران، عدم قطعیت‌های کلیدی و نقاط عطف تعیین‌کننده آینده سوریه خواهند بود. از این رو، ضرورت دارد با رویکرد آینده‌پژوهی و بهره‌گیری از روش سناریونویسی، پیشران‌های اصلی (امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیکی)، عدم قطعیت‌های بحرانی و تعامل بازیگران داخلی و خارجی شناسایی شده و بر مبنای آن، سناریوهای محتمل آینده سوریه در افق پنج‌ساله ترسیم شود.

بنابراین، مسئله این پژوهش تبیین نظام‌مند سناریوهای محتمل آینده سوریه پس از اسد در افق ۲۰۳۱ و تحلیل پیامدهای هر سناریو برای ثبات داخلی، امنیت منطقه‌ای و بازسازی اقتصادی این کشور است؛ به گونه‌ای که بتوان شکاف میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب را کاهش داده و مسیرهای راهبردی قابل توصیه را شناسایی کرد.

۳- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

تحولات سوریه پس از سقوط حکومت بشار اسد در دسامبر ۲۰۲۴، نه تنها معادلات داخلی این کشور بلکه توازن ژئوپلیتیکی خاورمیانه را وارد مرحله‌ای نوین کرده است. سوریه به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک خود در پیوند میان مدیترانه، عراق، ترکیه، اردن و لبنان، همواره یکی از گره‌های اصلی امنیت منطقه‌ای بوده و هرگونه تغییر در ساختار قدرت آن، پیامدهایی فراتر از مرزهای ملی ایجاد می‌کند. در وضعیت کنونی (۲۰۲۶)، این کشور در حال تجربه مرحله‌ای از

- بازآرایی قدرت

- ادغام نیروهای مسلح محلی
- مدیریت تهدیدهای باقی مانده داعش
- جذب سرمایه‌گذاری خارجی
- بازتعریف روابط منطقه‌ای

است. با این حال، شکنندگی امنیتی، پیچیدگی‌های قومی- مذهبی، نقش عشایر، مسئله ادغام شمال شرق، آینده زندانیان داعش، رقابت‌های ترکیه و اسرائیل، و ورود سرمایه‌گذاری مشروط کشورهای عربی، مجموعه‌ای از عدم قطعیت‌های بنیادین را شکل داده‌اند که مسیر آینده سوریه را مبهم ساخته است.

اهمیت این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که آینده سوریه در افق پنج‌ساله (تا ۲۰۳۱) می‌تواند به یکی از سه مسیر کلان منتهی شود: تثبیت تدریجی دولت و شکل‌گیری ثبات نسبی؛ تداوم وضعیت شکننده با ناامنی‌های مقطعی و اقتصاد نیمه‌رسمی؛ یا بازتولید چرخه‌های بحران در اثر رقابت‌های منطقه‌ای و شکاف‌های داخلی. هر یک از این سناریوها پیامدهای متفاوتی برای امنیت منطقه‌ای، بازار انرژی، جریان‌های مهاجرتی، سرمایه‌گذاری خارجی، سیاست‌های ترکیه و کشورهای عربی، و حتی ساختارهای امنیتی اروپا خواهد داشت. از این رو، تحلیل آینده سوریه صرفاً یک موضوع داخلی یا نظری نیست، بلکه مسئله‌ای راهبردی با اثرات چندسطحی منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود.

ضرورت انجام این پژوهش در چند سطح قابل تبیین است:

نخست، از منظر علمی و نظری، مطالعات مربوط به سوریه در دهه گذشته عمدتاً بر تحلیل بحران، جنگ داخلی و مداخله خارجی متمرکز بوده‌اند؛ اما مرحله «پسا اسد» نیازمند چارچوبی آینده‌نگر و سناریومحور است که بتواند فراتر از تحلیل گذشته، به تبیین مسیرهای ممکن آینده بپردازد. فقدان پژوهش‌های منسجم آینده‌پژوهانه درباره سوریه، شکافی در ادبیات علمی ایجاد کرده که این تحقیق درصدد پر کردن آن است.

دوم، از منظر سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیران داخلی سوریه، بازیگران منطقه‌ای (مانند ترکیه، عربستان، ایران و اسرائیل) و حتی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در حال اتخاذ تصمیم‌هایی هستند که آثار آن در بازه پنج‌ساله نمایان خواهد شد. بدون شناخت پیشران‌های کلیدی، عدم قطعیت‌های بحرانی و نقاط عطف تعیین‌کننده، این تصمیم‌ها ممکن است بر پایه برداشت‌های کوتاه‌مدت و واکنشی اتخاذ شوند. پژوهش حاضر با ترسیم سناریوهای محتمل، می‌تواند به ارتقای کیفیت تصمیم‌سازی راهبردی کمک کند.

سوم، از منظر امنیتی، تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که خلأ حکمرانی، شکاف‌های اجتماعی و مدیریت ناموفق زندانیان و شبکه‌های افراطی می‌تواند به احیای تهدیدهای تروریستی منجر شود. آینده سوریه به‌طور مستقیم با موضوع مهار یا بازتولید تهدید داعش و دیگر گروه‌های رادیکال پیوند دارد. بنابراین، مطالعه آینده‌پژوهانه این کشور برای پیشگیری از بازگشت چرخه خشونت اهمیت اساسی دارد.

چهارم، از منظر اقتصادی و توسعه‌ای :

ورود سرمایه‌گذاری‌های چند میلیارد دلاری به سوریه در صورت تحقق ثبات، می‌تواند اقتصاد این کشور را متحول کند؛ اما در صورت تداوم بی‌ثباتی، همین سرمایه‌گذاری‌ها متوقف یا پرهزینه خواهد شد. تحلیل سناریوهای آینده، امکان ارزیابی ریسک‌های سیاسی و امنیتی پیش روی بازسازی اقتصادی را فراهم می‌کند.

در نهایت، ضرورت این تحقیق از آن جهت است که سوریه در آستانه یک «دوره قفل‌شدن مسیر» قرار دارد؛ تصمیم‌ها و روندهای سال‌های ۲۰۲۶ تا ۲۰۲۸ می‌توانند جهت‌گیری بلندمدت کشور تا ۲۰۳۱ را تثبیت کنند. در چنین شرایطی، بهره‌گیری از رویکرد آینده‌پژوهی و سناریونویسی برای شناسایی مسیرهای محتمل، ارزیابی پیامدها و ارائه توصیه‌های راهبردی، نه تنها یک انتخاب علمی، بلکه یک ضرورت تحلیلی است.

از این رو، پژوهش حاضر با هدف ترسیم و تحلیل سناریوهای آینده سوریه پسا اسد در افق پنج‌ساله، تلاشی است برای کاهش عدم قطعیت، روشن‌سازی مسیرهای محتمل و کمک به فهم عمیق‌تر پویایی‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی این کشور در مرحله گذار

۴- اهداف تحقیق

۴-۱- هدف اصلی

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی، تحلیل و ترسیم سناریوهای محتمل آینده سوریه پسا اسد در افق پنج‌ساله (تا سال ۲۰۳۱) با بهره‌گیری از رویکرد آینده‌پژوهی و روش سناریونویسی، و تبیین پیامدهای هر سناریو برای ثبات داخلی، امنیت منطقه‌ای و بازسازی اقتصادی این کشور است.

این هدف در پی آن است که با شناسایی پیشران‌های کلیدی (سیاسی، امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی)، تعیین عدم قطعیت‌های بحرانی و تحلیل تعامل بازیگران داخلی و خارجی، شکاف میان وضعیت موجود سوریه در سال ۲۰۲۶ و وضعیت مطلوب ثبات و حکمرانی پایدار در سال ۲۰۳۱ را تبیین کرده و مسیرهای محتمل تحول این کشور را نظام‌مند سازد.

به بیان دیگر، این پژوهش می‌کوشد با ارائه چارچوبی تحلیلی و سناریومحور، آینده‌های بدیل سوریه را شناسایی کرده و امکان ارزیابی راهبردی روندها و نقاط عطف تعیین‌کننده در دوره گذار پسا اسد را فراهم آورد.

۴-۲- اهداف فرعی

۱. شناسایی و تحلیل پیشران‌های اصلی اثرگذار بر آینده سوریه پسا اسد در ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیکی در بازه زمانی ۲۰۲۶ تا ۲۰۳۱
۲. تعیین عدم قطعیت‌های بحرانی که می‌توانند مسیر تحولات سوریه را در افق پنج‌ساله تغییر دهند؛ از جمله روند ادغام شمال شرق، مدیریت زندانیان داعش، رقابت‌های منطقه‌ای، نقش سرمایه‌گذاری خارجی و شکاف‌های قومی-مذهبی.
۳. تحلیل نقش و تعامل بازیگران داخلی شامل دولت انتقالی، نیروهای دموکراتیک سوریه، عشایر، اقلیت‌های مذهبی (از جمله علویان)، و جریان‌های سیاسی-اسلام‌گرا در شکل‌دهی آینده کشور.
۴. بررسی نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نظیر ترکیه، عربستان سعودی، ایران، اسرائیل، عراق، اردن و قدرت‌های غربی در بازتعریف توازن قدرت در سوریه پسا اسد.
۵. ارزیابی روندهای امنیتی و احتمال بازتولید یا مهار تهدیدهای تروریستی به‌ویژه در ارتباط با هسته‌های داعش، مناطق بیابانی (بادیا) و پرونده زندانیان و کمپ‌های مرتبط.
۶. تحلیل چشم‌انداز بازسازی اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی و بررسی تأثیر ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی-امنیتی بر جذب سرمایه و توسعه زیرساختی سوریه.
۷. بررسی وضعیت مرزها، کریدورهای تجاری و اقتصاد غیررسمی و تأثیر آن بر تثبیت یا تضعیف حاکمیت دولت مرکزی در افق پنج‌ساله.
۸. ترسیم و مقایسه سناریوهای محتمل آینده سوریه (از جمله سناریوی تثبیت تدریجی، ثبات شکننده و تشدید رقابت‌های منطقه‌ای) و تحلیل پیامدهای هر یک برای ثبات داخلی و امنیت منطقه‌ای.
۹. ارائه توصیه‌های راهبردی و سیاستی بر اساس سناریوهای طراحی شده، با هدف کاهش شکاف میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب در افق ۲۰۳۱.

۵- سوالات و فرضیات تحقیق

۵-۱- سؤال اصلی

سناریوهای محتمل آینده سوریه پسا اسد در افق پنج‌ساله (تا سال ۲۰۳۱) کدام‌اند و پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های کلیدی چگونه بر شکل‌گیری هر یک از این سناریوها تأثیر می‌گذارند؟

۵-۲- سوالات فرعی

۱. پیشران‌های اصلی سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیکی مؤثر بر آینده سوریه پسا اسد در بازه ۲۰۲۶ تا ۲۰۳۱ کدام‌اند و چه وزن و اهمیتی دارند؟
۲. عدم قطعیت‌های بحرانی مؤثر بر مسیر تحولات سوریه در افق پنج‌ساله کدام‌اند و چگونه می‌توان آن‌ها را اولویت‌بندی کرد؟
۳. روند ادغام شمال شرق سوریه و مدیریت پرونده زندانیان و هسته‌های داعش چه تأثیری بر ثبات یا بی‌ثباتی آینده سوریه خواهد داشت؟
۴. نقش و تعامل بازیگران داخلی (دولت انتقالی، نیروهای دموکراتیک سوریه، عشایر، اقلیت‌های مذهبی، جریان‌های سیاسی-اسلام‌گرا) در شکل‌دهی سناریوهای آینده چگونه قابل تحلیل است؟
۵. بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای (ترکیه، عربستان سعودی، ایران، اسرائیل، عراق، اردن و قدرت‌های غربی) چگونه بر بازتعریف توازن قدرت در سوریه پسا اسد تأثیر می‌گذارند؟
۶. چشم‌انداز بازسازی اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی تا سال ۲۰۳۱ چگونه با وضعیت امنیتی و سیاسی کشور پیوند می‌خورد؟
۷. وضعیت مرزها، کریدورهای تجاری و اقتصاد غیررسمی چه نقشی در تقویت یا تضعیف حاکمیت دولت مرکزی در افق پنج‌ساله خواهد داشت؟
۸. بر اساس تحلیل پیشران‌ها و عدم قطعیت‌ها، چه سناریوهای احتمالی برای آینده سوریه قابل ترسیم است و پیامدهای هر سناریو برای ثبات داخلی و امنیت منطقه‌ای چیست؟
۹. در هر سناریوی محتمل، چه راهبردهایی می‌تواند به کاهش شکاف میان وضعیت موجود (۲۰۲۶) و وضعیت مطلوب (۲۰۳۱) کمک کند؟

۵-۳- فرضیه اصلی

آینده ثبات یا بی‌ثباتی سوریه در افق پنج‌ساله، تابع نحوه مدیریت سه عدم قطعیت بحرانی است: ادغام نیروهای مسلح غیردولتی، مهار اقتصاد امنیتی- غیررسمی و جهت‌گیری مداخلات و سرمایه‌گذاری‌های منطقه‌ای

هرچه این سه متغیر در مسیر نهادسازی و یکپارچگی ملی مدیریت شوند، احتمال شکل‌گیری سناریوی «تثبیت تدریجی» افزایش می‌یابد؛ در غیر این صورت، سناریوی «ثبات شکننده یا بازگشت تنش» تقویت خواهد شد.

۵-۴- فرضیات فرعی

۱. هرچه روند ادغام نهادی شمال شرق سوریه در ساختار دولت مرکزی با مشارکت واقعی بازیگران محلی انجام شود، احتمال شکل گیری سناریوی تثبیت تدریجی و ثبات نسبی افزایش می یابد.
۲. ناتوانی در مدیریت پرونده زندانیان و هسته های باقی مانده داعش، احتمال بازتولید ناامنی و حرکت به سوی سناریوی ثبات شکننده یا تشدید بحران را تقویت می کند.
۳. افزایش سطح رقابت های منطقه ای (به ویژه میان ترکیه، اسرائیل و ایران) در خاک سوریه، احتمال تحقق سناریوی بی ثباتی مزمن و رقابت ژئوپلیتیکی را افزایش می دهد.
۴. گسترش سرمایه گذاری خارجی مشروط به بهبود امنیت و حکمرانی، می تواند به تقویت ظرفیت دولت مرکزی و کاهش اقتصاد غیررسمی منجر شود و مسیر تثبیت را تقویت کند.
۵. مشارکت فعال عشایر و گروه های اجتماعی محلی در سازوکارهای حکمرانی، احتمال کاهش تنش های امنیتی در شرق سوریه را افزایش می دهد.
۶. تداوم شکاف های اجتماعی و قومی-مذهبی بدون سازوکارهای عدالت انتقالی و اعتمادسازی، ریسک شکل گیری بحران های داخلی دوره ای را افزایش می دهد.
۷. بهبود کنترل مرزها و کاهش اقتصاد غیررسمی، رابطه مستقیم با افزایش اقتدار دولت مرکزی و کاهش نفوذ بازیگران غیردولتی خواهد داشت.
۸. در صورت تثبیت نسبی امنیت داخلی، وزن متغیر اقتصادی و بازسازی زیرساختی در تعیین مسیر آینده سوریه افزایش خواهد یافت.

۶- چارچوب نظری پژوهش

پژوهش حاضر در حوزه مطالعات آینده پژوهی قرار می گیرد و از رویکرد سناریونویسی اکتشافی مبتنی بر تحلیل پیشران ها و عدم قطعیت های بحرانی به عنوان چارچوب نظری و تحلیلی استفاده می کند. این چارچوب بر این پیش فرض استوار است که آینده یک پدیده واحد و قطعی نیست، بلکه مجموعه ای از آینده های بدیل است که تحت تأثیر تعامل نیروهای ساختاری، روندهای کلان و تصمیم های کنشگران شکل می گیرد.

۶-۱- آینده پژوهی به عنوان مبنای نظری

آینده پژوهی دانشی میان رشته ای است که با هدف شناسایی روندها، پیشران ها، عدم قطعیت ها و مسیرهای محتمل تحول پدیده ها در افق زمانی مشخص به کار می رود. در این رویکرد، تمرکز بر «پیش بینی قطعی» نیست، بلکه بر کشف آینده های ممکن، محتمل و مطلوب و تحلیل پیامدهای هر یک است.

در چارچوب این پژوهش، آینده سوریه پسا اسد نه به عنوان یک نتیجه قطعی، بلکه به عنوان یک فضای چندمسیره در نظر گرفته می شود که می تواند در بازه ۲۰۲۶ تا ۲۰۳۱ به مسیرهای متفاوتی منتهی شود. بنابراین، چارچوب نظری تحقیق بر این اصل استوار است که تحولات سوریه تابع تعامل ساختارهای داخلی (امنیتی، اجتماعی، اقتصادی) و متغیرهای بیرونی (ژئوپلیتیکی، منطقه ای و بین المللی) است.

۶-۲- تحلیل پیشرانها (Drivers Analysis)

در نظریه های آینده پژوهی، پیشرانها نیروهایی هستند که جهت و شدت تحولات آینده را تعیین می کنند. این پیشرانها می توانند ساختاری، نهادی، اقتصادی، اجتماعی یا ژئوپلیتیکی باشند.

در پژوهش حاضر، پیشرانهای کلیدی آینده سوریه در پنج حوزه اصلی طبقه بندی می شوند:

۱. پیشرانهای سیاسی: بازسازی ساختار قدرت، مشروعیت دولت انتقالی، روند تدوین قانون اساسی و نظام حکمرانی
۲. پیشرانهای امنیتی: ادغام نیروهای مسلح، مدیریت زندانیان داعش، کنترل بادیا و مرزها
۳. پیشرانهای اجتماعی: نقش عشایر، اقلیت های مذهبی، شکاف های قومی-فرقه ای، عدالت انتقالی
۴. پیشرانهای اقتصادی: بازسازی زیرساخت ها، سرمایه گذاری خارجی، کنترل اقتصاد غیررسمی
۵. پیشرانهای ژئوپلیتیکی: رقابت ترکیه، عربستان، ایران، اسرائیل و میزان کاهش یا بازتعریف حضور آمریکا

تحلیل این پیشرانها امکان شناسایی نیروهای ساختاری اثرگذار بر آینده سوریه را فراهم می کند.

۶-۳- عدم قطعیت های بحرانی (Critical Uncertainties)

در چارچوب سناریونویسی، عدم قطعیت های بحرانی متغیرهایی هستند که:

۱. اهمیت راهبردی بالایی دارند،
 ۲. اما جهت حرکت یا نتیجه آنها نامشخص است.
- در مورد سوریه، نمونه هایی از عدم قطعیت های بحرانی عبارت اند از:

- موفقیت یا شکست ادغام شمال شرق در دولت مرکزی،
- نحوه مدیریت زندانیان و شبکه های داعش،
- سطح رقابت یا مصالحه منطقه ای،
- پایداری سرمایه گذاری خارجی،
- میزان مشارکت یا حذف گروه های اجتماعی و سیاسی در ساختار قدرت.

ترکیب این عدم قطعیت ها با پیشرانهای ساختاری، بستر تولید سناریوهای بدیل را فراهم می کند.

۴-۶- سناریونویسی اکتشافی (Exploratory Scenario Planning)

روش سناریونویسی مورد استفاده در این پژوهش مبتنی بر رویکرد اکتشافی است؛ یعنی به جای طراحی آینده مطلوب، به ترسیم آینده‌های محتمل بر اساس ترکیب متفاوت پیشران‌ها و عدم قطعیت‌ها می‌پردازد.

فرایند نظری سناریوسازی شامل مراحل زیر است:

۱. شناسایی عوامل کلیدی و پیشران‌ها
۲. رتبه‌بندی عوامل بر اساس اهمیت و میزان عدم قطعیت
۳. انتخاب دو یا چند عدم قطعیت بحرانی برای ساخت محورهای سناریو
۴. ترکیب وضعیت‌های متفاوت این متغیرها برای تولید سناریوهای بدیل
۵. تحلیل پیامدهای هر سناریو برای امنیت داخلی و منطقه‌ای

در این چارچوب، سناریوها نه پیش‌بینی قطعی بلکه «روایت‌های ساخت یافته از آینده‌های ممکن» هستند که به تصمیم‌گیران کمک می‌کنند با عدم قطعیت‌ها مواجه شوند.

۵-۶- چارچوب مفهومی پژوهش

چارچوب مفهومی این تحقیق بر رابطه متقابل میان چهار متغیر کلان استوار است:

۱. ثبات امنیتی داخلی
۲. ادغام نهادی و انسجام اجتماعی
۳. تعاملات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای
۴. بازسازی اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی

این چهار متغیر در تعامل با یکدیگر، مسیر حرکت سوریه را در افق پنج‌ساله تعیین می‌کنند. تغییر در هر یک از این ابعاد می‌تواند سایر ابعاد را تقویت یا تضعیف کند.

جمع‌بندی چارچوب نظری

بر اساس چارچوب نظری حاضر، آینده سوریه پسا اسد نتیجه تعامل میان پیشران‌های ساختاری و عدم قطعیت‌های بحرانی در یک محیط ژئوپلیتیکی پیچیده است. سناریونویسی به عنوان ابزار نظری و تحلیلی، امکان فهم نظام‌مند این تعاملات و ترسیم آینده‌های بدیل را فراهم می‌کند.

بنابراین، پژوهش حاضر با تکیه بر رویکرد آینده‌پژوهی و سناریونویسی اکتشافی، می‌کوشد مسیرهای محتمل تحول سوریه را در افق ۲۰۳۱ شناسایی و تحلیل کند.

۷- سوابق تحقیقاتی مرتبط

مطالعات مرتبط با آینده سوریه را می‌توان در سه دسته کلی طبقه‌بندی کرد:

۱. مطالعات مربوط به جنگ داخلی و ساختار قدرت در سوریه
۲. پژوهش‌های مرتبط با بازسازی و دولت سازی پساجنگ
۳. مطالعات آینده‌پژوهانه و سناریومحور درباره خاورمیانه و سوریه

۷-۱- مطالعات مربوط به جنگ داخلی و ساختار قدرت سوریه

در دهه گذشته، بخش عمده‌ای از ادبیات علمی درباره سوریه بر تحلیل ریشه‌های بحران، بازیگران درگیر، مداخله خارجی و پویایی‌های امنیتی متمرکز بوده است. پژوهش‌های منتشرشده در نشریات بین‌المللی روابط بین‌الملل و امنیت منطقه‌ای، به موضوعاتی چون:

• نقش روسیه و ایران در بقای رژیم اسد

۱. رابرت هینبوش (۲۰۲۳) - روسیه، ایران و دولت سوریه: پویایی‌های بقا و بازسازی
۲. چاتم هاوس (۲۰۲۳) - شراکت استراتژیک مسکو و تهران در سوریه: همکاری تاکتیکی در مقابل واگرایی استراتژیک
۳. مرکز خاورمیانه کارنگی (۲۰۲۴) - اقتصاد سیاسی بقای رژیم در سوریه: نقش حمایت‌های خارجی

• سیاست‌های ایالات متحده در شرق سوریه

۱. مؤسسه واشنگتن برای سیاست‌های خاور نزدیک (۲۰۲۴) - استراتژی حضور نظامی آمریکا در شرق سوریه: تحلیل اهداف پیشگیری از بازگشت داعش و محدود کردن نفوذ ایران
۲. مرکز خاورمیانه کارنگی (۲۰۲۳) - توازن میان امنیت و سیاست: بررسی رابطه ایالات متحده با نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) در مناطق نفت‌خیز
۳. اینترنشنال کرایسیس گروپ (۲۰۲۴) - چشم‌انداز خروج آمریکا از سوریه: تحلیل اثرات احتمالی خلأ امنیتی بر ثبات مناطق تحت کنترل SDF
۴. مجله پژوهش‌های خاورمیانه (۲۰۲۲) - بررسی سیاست‌های تحریمی ایالات متحده (قانون سزار) و تأثیر آن بر بازسازی اقتصادی در شرق سوریه
۵. مرکز مطالعات استراتژیک (۲۰۲۳) - تحلیل رقابت آمریکا و روسیه در سوریه: بررسی نقش حضور نظامی ایالات متحده در شرق سوریه در معادلات ژئوپلیتیک

• تحول نیروهای معارض و گروه‌های جهادی

۱. مرکز خاورمیانه کارنگی (۲۰۲۳) - تکامل گروه‌های جهادی در سوریه: از هدف‌های محلی تا شبکه‌های تروریستی جهانی
۲. اینترنشنال کرایسیس گروپ (۲۰۲۴) - تحول نیروهای معارض در شمال سوریه: گذار از انقلاب به مدیریت محلی
۳. رابرت هینبوش (۲۰۲۳) - دینامیک‌های تغییر در گروه‌های شورشی سوریه: تحلیل فروپاشی ائتلاف‌های معارضی
۴. مؤسسه واشنگتن برای سیاست‌های خاور نزدیک (۲۰۲۴) - اثرگذاری ایدئولوژیک و ساختاری گروه‌های جهادی در سوریه پس از داعش
۵. فارین افیرز (۲۰۲۳) - آینده نیروهای معارض سوریه: تحلیل گذار از جنگ داخلی به رقابت‌های منطقه‌ای
۶. مرکز مطالعات استراتژیک (۲۰۲۴) - تحلیل تغییرات ساختاری در گروه‌های مسلح سوریه: از جبهه الشام تا گروه‌های تک‌سقه‌ای

• ساختار شبکه‌ای قدرت در رژیم اسد

۱. فارین افیرز (۲۰۲۳) - استراتژی بقای اسد: توزیع قدرت میان شبکه‌های وفادار و نهادهای رسمی
۲. پژوهشگاه آینده‌پژوهی (۲۰۲۳) - تحلیل اثرات حضور نظامی روسیه و ایران بر ثبات سیاسی سوریه
۳. مجله روابط بین‌الملل (۲۰۲۲) - هم‌گرایی استراتژیک ایران و روسیه در سوریه: فرصت‌ها و چالش‌های مشترک

پرداخته‌اند.

۷-۲- مطالعات دولت‌سازی و بازسازی پساجنگ

دسته دوم پژوهش‌ها بر موضوعات زیر تمرکز داشته‌اند:

• بازسازی اقتصادی سوریه و چالش‌های آن

۱. بانک جهانی (۲۰۲۳) - گزارش پایش اقتصادی سوریه: مسیر بازگشت

۲. مؤسسه واشنگتن برای سیاست‌های خاور نزدیک (۲۰۲۴) - جنگ اقتصادی در سوریه: تحریم‌ها و استراتژی‌های بقای اقتصادی رژیم

۳. مرکز خاورمیانه کارنگی (۲۰۲۳) - بازسازی به عنوان ابزار سیاسی: ژئوپلیتیک بازسازی شهری در سوریه

۴. مجله پژوهش‌های خاورمیانه (۲۰۲۲) - تحلیل چالش‌های بازسازی اقتصادی سوریه در مواجهه با تحریم‌های بین‌المللی و بحران ارزی

۵. پژوهشگاه آینده‌پژوهی (۲۰۲۳) - مدل‌های بازسازی زیرساختی در سوریه: بررسی نقش سرمایه‌گذاری‌های ایران و روسیه

• نقش سرمایه‌گذاری خارجی و تحریم‌ها

۱. مؤسسه واشنگتن برای سیاست‌های خاور نزدیک (۲۰۲۴) - اثرات قانون سزار بر جریان سرمایه‌گذاری خارجی و بازسازی زیرساخت‌های سوریه

۲. مرکز خاورمیانه کارنگی (۲۰۲۳) - اقتصاد سیاسی تحریم‌ها: تحلیل اثر تحریم‌های یک‌جانبه بر بازارهای داخلی سوریه

۳. مجله پژوهش‌های خاورمیانه (۲۰۲۲) - بررسی اثرات تحریم‌های بین‌المللی بر جذب سرمایه‌های خارجی در بخش‌های صنعتی سوریه

۴. پژوهشگاه آینده‌پژوهی (۲۰۲۳) - جایگزین‌های سرمایه‌گذاری: تحلیل نقش روسیه و ایران در دور زدن تحریم‌های اقتصادی سوریه

• عدالت انتقالی و بازگشت آوارگان

۱. سازمان ملل متحد / UNHCR (۲۰۲۳) - تحلیل موانع حقوقی و امنیتی بازگشت داوطلبانه آوارگان به مناطق تحت کنترل دولت سوریه

۲. مرکز خاورمیانه کارنگی (۲۰۲۴) - عدالت انتقالی در سوریه: بررسی امکانات مصالحه ملی و چالش‌های پاسخگویی در برابر جنایات جنگی

۳. اینترنشنال کرایسیس گروپ (۲۰۲۳) - بازگشت آوارگان و حقوق مالکیت زمین: تحلیل تضادهای قانونی و اجتماعی در سوریه پس از جنگ

۴. مجله پژوهش‌های خاورمیانه (۲۰۲۲) - بررسی رویکردهای عدالت انتقالی در کشورهای پس از جنگ و امکان پیاده‌سازی آن در جامعه سوریه

۵. مؤسسه واشنگتن برای سیاست‌های خاور نزدیک (۲۰۲۴) - سیاست‌های بازگشت اجباری و اثرات آن بر ثبات اجتماعی و دموگرافی در سوریه

۶. مرکز مطالعات استراتژیک (۲۰۲۳) - تحلیل رابطه میان بازسازی اقتصادی و بازگشت آوارگان: بررسی نقش عدالت اجتماعی در پذیرش بازگشت‌ها

• اقتصاد غیررسمی و شبکه‌های قاچاق

۱. مؤسسه واشنگتن برای سیاست‌های خاور نزدیک (۲۰۲۳) - قاچاق مواد مخدر و کالاهای استراتژیک: تحلیل شبکه‌های ترانزیتی در مناطق تحت کنترل رژیم اسد

۲. مجله پژوهش‌های خاورمیانه (۲۰۲۲) - تحلیل رشد اقتصاد غیررسمی در سوریه: بررسی تأثیر تحریم‌ها بر گسترش بازارهای موازی و شبکه‌های قاچاق

۳. مرکز مطالعات استراتژیک (۲۰۲۴) - پیوند میان نظامیان و بازرگانان: تحلیل شبکه‌های قاچاق ارزی و کالایی در سوریه پس از جنگ

این آثار عمدتاً از منظر اقتصاد سیاسی یا دولت‌سازی به سوریه نگرسته‌اند و نشان داده‌اند که بدون اصلاح ساختارهای

امنیتی و اداری، بازسازی اقتصادی پایدار نخواهد بود. با این حال، بسیاری از این پژوهش‌ها سناریومحور نبوده و افق

زمانی مشخص (مانند پنج‌سال آینده) را به‌صورت ساختارمند تحلیل نکرده‌اند.

۷-۳- مطالعات مربوط به آینده‌پژوهی و سناریونویسی منطقه‌ای

در سال‌های اخیر، برخی مراکز پژوهشی بین‌المللی و داخلی (نظیر اندیشکده‌های خاورمیانه‌ای و اروپایی و اندیشکده سراج

نیرو) گزارش‌هایی درباره «آینده نظم منطقه‌ای پس از کاهش حضور آمریکا»، «آینده بازیگران غیردولتی» و «سناریوهای

بازسازی سوریه» منتشر کرده‌اند. این گزارش‌ها عموماً به موارد زیر پرداخته‌اند:

• آینده شمال‌شرق سوریه و نقش نیروهای دموکراتیک سوریه

۱. مؤسسه واشنگتن برای سیاست‌های خاور نزدیک (۲۰۲۴) - تحلیل آینده اداری شمال‌شرق سوریه: بررسی مدل خودگردانی و چالش‌های ادغام

در دولت مرکزی

۲. مرکز خاورمیانه کارنگی (۲۰۲۳) - نقش نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) در معادلات قدرت: تحلیل رابطه میان مدیریت محلی و امنیت

منطقه‌ای

۳. مرکز مطالعات استراتژیک (۲۰۲۳) - تحلیل حضور نظامی ایالات متحده در شرق سوریه و تأثیر آن بر استراتژی‌های مذاکره‌ای نیروهای دموکراتیک

• خطر بازتولید داعش در صورت خلأ حکمرانی

۱. اینترنشنال کرایسیس گروپ (۲۰۲۴) - تحلیل ریسک بازگشت داعش: بررسی رابطه میان فقدان خدمات دولتی و جذب نیرو در مناطق حاشیه سوریه

۲. مؤسسه واشنگتن برای سیاست‌های خاور نزدیک (۲۰۲۳) - خلأ حکمرانی در شمال سوریه: بررسی اثرات عدم استقرار دولت مرکزی بر بازرجانی هسته‌های عملیاتی داعش

۳. مرکز خاورمیانه کارنگی (۲۰۲۳) - استراتژی‌های بقای داعش در مناطق بی‌حاکمیت: تحلیل نقش شبکه‌های مخفی در مناطق دچار خلأ امنیتی

۴. مجله پژوهش‌های خاورمیانه (۲۰۲۲) - تحلیل رابطه میان شکست دولت‌ها و بازتولید افراط‌گرایی: مورد مطالعه سوریه و عراق در دوران پس از جنگ

• رقابت ترکیه و ایران در ساختار امنیتی جدید

۱. مؤسسه واشنگتن برای سیاست‌های خاور نزدیک (۲۰۲۴) - تحلیل رقابت ژئوپلیتیک ایران و ترکیه در سوریه: تضاد منافع در شمال و شرق سوریه

۲. مرکز خاورمیانه کارنگی (۲۰۲۳) - معماری امنیتی جدید در سوریه: بررسی تعاملات رقابتی-همکاری میان تهران و آنکارا در مدیریت مناطق اثرگذاری

۳. اینترنشنال کرایسیس گروپ (۲۰۲۴) - توازن قدرت در سوریه: تحلیل اثرات نفوذ نظامی ترکیه و حمایت‌های استراتژیک ایران بر ثبات بلندمدت

۴. مجله پژوهش‌های خاورمیانه (۲۰۲۲) - بررسی رقابت ایران و ترکیه در بازسازی زیرساختی سوریه: ابزارهای نرم و سخت قدرت در ساختار امنیتی جدید

۵. مرکز مطالعات استراتژیک (۲۰۲۴) - تحلیل استراتژیک حضور ایران و ترکیه در سوریه: از رقابت بر سر نفوذ تا مدیریت بحران‌های منطقه‌ای

۶. گزارش‌های تحلیلی فارین پالیسی (۲۰۲۳) - سوریه به عنوان میدان رقابت: بررسی اثرات رقابت ایران و ترکیه بر روند صلح و توافقات سیاسی در دمشق

• سناریوهای بازسازی مبتنی بر سرمایه‌گذاری خلیج فارس

۱. مؤسسه واشنگتن برای سیاست‌های خاور نزدیک (۲۰۲۴) - بازگشت کشورهای خلیج فارس به سوریه: تحلیل شرطی کردن سرمایه‌گذاری در برابر اصلاحات سیاسی

۲. مرکز خاورمیانه کارنگی (۲۰۲۳) - اقتصاد سیاسی بازسازی سوریه: بررسی نقش امارات و عربستان سعودی در تغییر معادلات اقتصادی رژیم اسد

۳. اینترنشنال کرایسیس گروپ (۲۰۲۴) - سناریوهای سرمایه‌گذاری خلیجی در سوریه: توازن میان منافع اقتصادی و نگرانی‌های امنیتی-سیاسی

۴. مجله پژوهش‌های خاورمیانه (۲۰۲۲) - تحلیل اثرات احتمالی سرمایه‌های کشورهای خلیج فارس بر کاهش وابستگی اقتصادی سوریه به محورهای منطقه‌ای

۵. مرکز مطالعات استراتژیک (۲۰۲۳) - دیپلماسی اقتصادی کشورهای خلیج فارس: بررسی مدل‌های بازسازی زیربنایی در سوریه در سایه رقابت‌های ژئوپلیتیک

۶. گزارش‌های تحلیلی فارین افیرز (۲۰۲۴) - آینده بازسازی سوریه: بررسی احتمال تبدیل شدن سرمایه‌های خلیجی به ابزاری برای فشار سیاسی و دموکراتیک

با این حال، اغلب این مطالعات یا کوتاه‌مدت بوده‌اند (۱ تا ۳ ساله) یا بر یک متغیر خاص تمرکز داشته‌اند و کمتر تلاش کرده‌اند با یک چارچوب آینده‌پژوهی جامع، همه پیشران‌های امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی را در قالب یک مدل سناریویی یکپارچه تحلیل کنند.

۷-۴- خلأ پژوهشی موجود

با وجود گستردگی ادبیات درباره بحران سوریه، چند خلأ اساسی مشاهده می‌شود:

۱. فقدان مطالعه‌ای جامع که آینده سوریه «پسا اسد» را به‌طور مشخص و مستقل بررسی کند؛

۲. کمبود پژوهش‌های مبتنی بر روش سناریونویسی با افق زمانی پنج‌ساله؛

۳. نبود چارچوب تحلیلی یکپارچه که نقش هم‌زمان متغیرهای امنیتی، اجتماعی (عشایر و اقلیت‌ها)، اقتصادی (سرمایه‌گذاری و اقتصاد غیررسمی) و ژئوپلیتیکی (رقابت منطقه‌ای) را تحلیل کند؛

۴. کم‌توجهی به ارتباط میان ادغام شمال‌شرق، مدیریت زندانیان داعش و آینده ثبات ملی.

۷-۵- جایگاه پژوهش حاضر در ادبیات

پژوهش حاضر می‌کوشد این خلأ را با:

• بهره‌گیری از رویکرد آینده‌پژوهی،

• تحلیل پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های بحرانی،

- طراحی سناریوهای بدیل در افق ۲۰۳۱،
 - و بررسی هم‌زمان ابعاد امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی،
- پر کند و چارچوبی منسجم برای تحلیل آینده سوریه پسا اسد ارائه دهد.
- به بیان دیگر، این تحقیق از سطح تحلیل «بحران و جنگ» فراتر رفته و به سطح تحلیل «مسیرهای ممکن دولت‌سازی و ثبات در دوره گذار» وارد می‌شود.

۸- مدل مفهومی پژوهش

۸-۱- منطق کلی مدل

مدل مفهومی این پژوهش بر این فرض استوار است که آینده سوریه پسا اسد در افق پنج‌ساله (تا ۲۰۳۱) حاصل تعامل میان:

۱. پیشران‌های ساختاری داخلی
۲. پیشران‌های ژئوپلیتیکی خارجی
۳. عدم‌قطعیت‌های بحرانی
۴. کیفیت حکمرانی و ظرفیت دولت

و این تعامل در نهایت به شکل‌گیری سناریوهای بدیل منجر می‌شود. بنابراین، مدل پژوهش از نوع **مدل علی-سناریویی چندسطحی** است که در آن متغیرهای مستقل، متغیرهای میانجی و متغیر وابسته به‌صورت زیر تعریف می‌شوند.

۸-۲- متغیر وابسته (Outcome Variable)

سناریوهای آینده سوریه در افق ۲۰۳۱

این متغیر در قالب سه مسیر کلان عملیاتی می‌شود:

۱. سناریوی تثبیت تدریجی و دولت‌سازی نسبی
۲. سناریوی ثبات شکننده و ناامنی مقطعی
۳. سناریوی تشدید رقابت منطقه‌ای و بازتولید بحران

۸-۳- متغیرهای مستقل (پیشران‌های اصلی)

الف) پیشران‌های امنیتی

- ادغام نیروهای شمال‌شرق در ساختار دولت
- مدیریت زندانیان و هسته‌های داعش
- کنترل مناطق بیابانی (بادیا)
- میزان انسجام ساختار امنیتی

ب) پیشران‌های سیاسی- نهادی

- مشروعیت دولت انتقالی

- مشارکت گروه‌های اجتماعی (عشایر، اقلیت‌ها، جریان‌های سیاسی)
- روند تدوین قانون اساسی و نظام حکمرانی
- عدالت انتقالی و مدیریت شکاف‌های اجتماعی

ج) پیشران‌های اقتصادی

- سطح و پایداری سرمایه‌گذاری خارجی
- بازسازی زیرساخت‌ها
- کنترل اقتصاد غیررسمی و قاچاق
- ظرفیت مالی دولت

د) پیشران‌های ژئوپلیتیکی

- سطح رقابت یا مصالحه میان ترکیه، ایران، عربستان و اسرائیل
- کاهش یا بازتعریف نقش آمریکا
- همکاری یا تنش در مرزهای عراق و اردن

۸-۴- متغیرهای میانجی (Mediating Variables)

این متغیرها نقش پل ارتباطی میان پیشران‌ها و سناریوهای نهایی را دارند:

۱. میزان ثبات امنیت داخلی
۲. میزان انسجام اجتماعی و اعتماد عمومی
۳. ظرفیت اجرایی و حکمرانی دولت
۴. پیش‌بینی‌پذیری محیط سرمایه‌گذاری

۸-۵- عدم قطعیت‌های بحرانی

دو عدم قطعیت محوری که در مدل سناریوسازی نقش ساختاری دارند:

۱. موفقیت یا شکست ادغام نهادی شمال شرق
۲. سطح رقابت ژئوپلیتیکی منطقه‌ای در خاک سوریه

این دو متغیر، محورهای اصلی تولید سناریوهای بدیل را شکل می‌دهند.

۸-۶- ساختار رابطه‌ای مدل (توصیف نموداری)

ساختار رابطه‌ای مدل پژوهش بر این مبنا استوار است که مجموعه‌ای از پیشران‌های داخلی و خارجی به عنوان متغیرهای مستقل اولیه، بر سطح ثبات امنیتی، میزان انسجام اجتماعی و ظرفیت حکمرانی دولت تأثیر می‌گذارند. این متغیرهای میانی در ادامه در تعامل با عدم قطعیت‌های بحرانی قرار می‌گیرند و جهت و شدت اثرگذاری آن‌ها را تعدیل می‌کنند. برآیند این تعاملات در نهایت به صورت‌بندی و شکل‌گیری سناریوهای محتمل آینده سوریه در افق زمانی ۲۰۳۱ منجر می‌شود.

۸-۷- ویژگی‌های مدل مفهومی

- چندسطحی (داخلی و منطقه‌ای)
- پویا (تأثیر متقابل متغیرها)

- مبتنی بر عدم قطعیت
- سازگار با روش سناریونویسی اکتشافی
- قابل به روزرسانی فصلی (بر اساس شاخص‌های هشدار زودهنگام)

۸-۸- تبیین نهایی مدل

بر اساس این مدل، آینده سوریه تابع یک رابطه خطی ساده نیست، بلکه نتیجه تعامل پیچیده میان امنیت، حکمرانی، اقتصاد و ژئوپلیتیک است. هرگونه تغییر در یکی از این ابعاد می‌تواند کل سیستم را به سمت یکی از سناریوهای سه‌گانه سوق دهد.

به بیان دیگر:

منطق پژوهش بر این فرض استوار است که اگر تقویت امنیت داخلی، ادغام موفق بازیگران مسلح در ساختار رسمی و مدیریت رقابت‌های منطقه‌ای به‌طور هم‌زمان تحقق یابد، مسیر تثبیت تدریجی و تقویت حکمرانی در سوریه تقویت خواهد شد.

در مقابل، اختلال در هر یک از این مؤلفه‌ها می‌تواند تعادل موجود را تضعیف کرده و احتمال حرکت به سمت ثبات شکننده یا بازتولید بحران را افزایش دهد.

۹- شیوه انجام تحقیق

۹-۱- روش تحقیق

الف- نوع و ماهیت پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی-تحلیلی و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی با رویکرد آینده‌پژوهی است. از منظر روش‌شناسی، تحقیق حاضر در زمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد که با بهره‌گیری از روش سناریونویسی اکتشافی به تحلیل آینده‌های محتمل سوریه در افق پنج‌ساله (۲۰۲۶-۲۰۳۱) می‌پردازد.

ب- رویکرد نظری و تحلیلی

رویکرد اصلی تحقیق، آینده‌پژوهی مبتنی بر تحلیل پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های بحرانی است؛ در این چارچوب، به‌جای پیش‌بینی قطعی، آینده‌های بدیل و محتمل شناسایی و تحلیل می‌شوند.

روش سناریونویسی مورد استفاده، از نوع سناریونویسی اکتشافی (Exploratory Scenario Planning) است که بر پایه مراحل زیر انجام می‌شود:

۱. شناسایی پیشران‌های کلیدی
۲. تحلیل اهمیت و میزان عدم قطعیت هر پیشران

۳. استخراج عدم قطعیت‌های بحرانی
۴. ساخت ماتریس سناریو بر اساس دو عدم قطعیت محوری
۵. تدوین روایت‌های سناریویی منسجم
۶. تحلیل پیامدهای هر سناریو

ج- جامعه آماری و واحد تحلیل

از آنجا که پژوهش کیفی و اسنادی است، جامعه آماری به معنای کمی وجود ندارد.
واحد تحلیل:

- ساختار قدرت و حکمرانی در سوریه پسا اسد
 - تعامل بازیگران داخلی و منطقه‌ای
 - روندهای امنیتی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی
- در صورت استفاده از نظر خبرگان (مرحله تکمیلی):**
- جامعه خبرگان می‌تواند شامل:
 - اساتید روابط بین‌الملل و مطالعات خاورمیانه
 - پژوهشگران آینده‌پژوهی
 - کارشناسان مسائل سوریه و امنیت منطقه‌ای

د- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها در پنج مرحله انجام می‌شود:

مرحله اول: شناسایی عوامل مؤثر

استخراج پیشران‌ها از طریق تحلیل محتوای اسناد و ادبیات تحقیق.

مرحله دوم: تحلیل ساختاری عوامل

استفاده از تکنیک تحلیل اثرات متقابل (Cross-Impact Analysis) برای تعیین میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هر عامل.

مرحله سوم: تعیین عدم قطعیت‌های بحرانی

انتخاب عواملی که:

- اهمیت راهبردی بالا دارند
- اما مسیر آینده آن‌ها نامشخص است

مرحله چهارم: طراحی ماتریس سناریو

انتخاب دو عدم قطعیت کلیدی و تشکیل ماتریس چهارخانه‌ای سناریو.

مرحله پنجم: تدوین روایت سناریوها

تشریح هر سناریو از نظر:

- وضعیت امنیتی
- وضعیت سیاسی

- وضعیت اقتصادی
- پیامدهای منطقه‌ای

ه- ابزارهای تحلیلی مورد استفاده

- تحلیل محتوای کیفی
- ماتریس اهمیت-عدم قطعیت
- تحلیل اثرات متقابل
- چارچوب سناریونویسی پیتر شوارتز
- شاخص‌های هشدار زودهنگام برای ارزیابی پویایی سناریوها

و- قلمرو زمانی و مکانی پژوهش

قلمرو زمانی:

۲۰۲۶ تا ۲۰۳۱ (افق پنج‌ساله)

قلمرو مکانی:

کشور سوریه با تمرکز بر:

- شمال شرق (ادغام SDF)
 - مناطق بیابانی (بادیا)
 - ساحل (لاذقیه و طرطوس)
 - مناطق مرزی با عراق و اردن
- همچنین در سطح منطقه‌ای، تعامل با ترکیه، عربستان، ایران و اسرائیل.

ز- روایی و پایایی پژوهش

روایی:

- استفاده از منابع معتبر علمی و رسمی
- مقایسه و تطبیق داده‌ها از چند منبع
- اعتبارسنجی نتایج با نظر خبرگان (در صورت اجرا)

پایایی:

- شفافیت در مراحل تحلیل
- مستندسازی کامل فرایند استخراج پیشران‌ها
- استفاده از چارچوب نظری مشخص

ح- محدودیت‌های احتمالی پژوهش

- دسترسی محدود به داده‌های میدانی
- تغییر سریع تحولات سیاسی
- محدودیت در انجام مصاحبه با بازیگران داخلی سوریه

جمع‌بندی روش تحقیق

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد آینده‌پژوهی و روش سناریونویسی اکتشافی، تلاش می‌کند با تحلیل پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های بحرانی، آینده‌های بدیل سوریه پسا اسد را در افق پنج‌ساله ترسیم کند. این روش به دلیل ماهیت پیچیده و چندمتغیره تحولات سوریه، مناسب‌ترین چارچوب برای تحلیل نظام‌مند و راهبردی آینده این کشور محسوب می‌شود.

۹-۲- ابزار جمع‌آوری اطلاعات

الف- اسناد و منابع کتابخانه‌ای

مهم‌ترین ابزار گردآوری اطلاعات، مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای است که شامل موارد زیر می‌شود:

- مقالات علمی منتشرشده در مجلات معتبر داخلی و بین‌المللی
- کتاب‌های تخصصی در حوزه بحران سوریه، دولت‌سازی و امنیت منطقه‌ای
- گزارش‌های اندیشکده‌های معتبر بین‌المللی و داخلی
- گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی (سازمان ملل، UNHCR، نهادهای امنیتی)
- اسناد رسمی و بیانیه‌های دولت‌ها
- داده‌های تحلیلی منتشرشده در رسانه‌های معتبر بین‌المللی

ب- چک‌لیست استخراج پیشران‌ها (ابزار تحلیلی)

برای شناسایی و طبقه‌بندی پیشران‌های مؤثر بر آینده سوریه، از چک‌لیست تحلیل عوامل کلیدی استفاده می‌شود که شامل دسته‌بندی متغیرها در حوزه‌های:

- امنیتی
- سیاسی
- اجتماعی
- اقتصادی
- ژئوپلیتیکی

ج- ماتریس اهمیت - عدم قطعیت

به منظور شناسایی عدم قطعیت‌های بحرانی، از ماتریس اهمیت-عدم قطعیت به عنوان ابزار تحلیلی استفاده می‌شود. این ابزار به پژوهشگر کمک می‌کند:

- عوامل با اهمیت بالا
 - و میزان عدم قطعیت بالا
- را تفکیک و به عنوان محورهای سناریو انتخاب کند.

د- مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان

در صورت نیاز به اعتبارسنجی یافته‌ها، از مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان حوزه روابط بین‌الملل و مطالعات سوریه استفاده خواهد شد.

ابزار در این بخش:

- پرسشنامه باز (کیفی)
- فرم ثبت و تحلیل پاسخ‌ها

جمع‌بندی

جمع‌بندی تحلیلی ابزار گردآوری داده‌ها نشان می‌دهد که این پژوهش بر یک رویکرد ترکیبی استوار است، اما هسته اصلی تولید داده‌های تحلیلی بر مصاحبه با خبرگان متمرکز خواهد بود. در مرحله نخست، مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای به عنوان بستر نظری و چارچوب مفهومی پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد تا پیش‌رمان‌های اولیه، روندهای ساختاری و متغیرهای اثرگذار شناسایی شوند. سپس با بهره‌گیری از چک‌لیست استخراج پیش‌رمان‌ها و ماتریس اهمیت-عدم قطعیت، عوامل کلیدی دسته‌بندی و عدم قطعیت‌های بحرانی تفکیک می‌شوند.

با این حال، مرحله تعیین‌کننده پژوهش، اعتبارسنجی و پالایش این یافته‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با خبرگان حوزه روابط بین‌الملل و مطالعات سوریه خواهد بود. در این بخش، دیدگاه‌های تخصصی خبرگان نقش محوری در اولویت‌بندی پیش‌رمان‌ها، تأیید یا تعدیل عدم قطعیت‌ها و صورت‌بندی نهایی سناریوها ایفا می‌کند. بدین ترتیب، داده‌های میدانی حاصل از مصاحبه‌های کیفی، ستون اصلی تحلیل نهایی و مبنای شکل‌گیری سناریوهای آینده سوریه تا افق ۲۰۳۱ خواهد بود.

۹-۳- ابزار تجزیه و تحلیل اطلاعات

الف- تحلیل محتوای کیفی (Qualitative Content Analysis)

در مرحله نخست، داده‌های گردآوری‌شده از منابع اسنادی و گزارش‌های رسمی با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی بررسی می‌شود.

کاربرد این ابزار در پژوهش:

- استخراج پیشران‌های اصلی مؤثر بر آینده سوریه
- شناسایی روندهای کلان سیاسی، امنیتی و اقتصادی
- طبقه‌بندی عوامل در قالب متغیرهای ساختاری

ب- ماتریس تحلیل اثرات متقابل

به‌منظور بررسی میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متغیرها، از ماتریس اثرات متقابل استفاده می‌شود. کارکرد این ابزار:

- تعیین روابط میان پیشران‌ها
- شناسایی متغیرهای پیشران (Driving Forces)
- تفکیک متغیرهای کلیدی از متغیرهای وابسته
- کمک به ساختاردهی مدل مفهومی پژوهش

ج- تکنیک سناریونویسی اکتشافی (Scenario Planning)

پس از تعیین دو عدم قطعیت محوری، از تکنیک سناریونویسی اکتشافی استفاده می‌شود. مراحل تحلیل سناریویی:

- طراحی ماتریس چهارخانه‌ای سناریو
- تدوین روایت تحلیلی هر سناریو
- تحلیل پیامدهای امنیتی، سیاسی و اقتصادی هر مسیر
- مقایسه سناریوها از منظر ثبات داخلی و امنیت منطقه‌ای

د- تحلیل تطبیقی سناریوها (Comparative Scenario Analysis)

در مرحله نهایی، سناریوهای طراحی شده به‌صورت تطبیقی تحلیل می‌شوند تا:

- نقاط قوت و ضعف هر سناریو مشخص شود
- پیامدهای راهبردی هر مسیر ارزیابی گردد
- امکان ارائه پیشنهادها و سیاستی فراهم شود

ه- شاخص‌های هشدار زودهنگام (Early Warning Indicators)

برای پویایی مدل و ارزیابی احتمال حرکت به سمت هر سناریو، از مجموعه‌ای از شاخص‌های هشدار زودهنگام استفاده می‌شود، از جمله:

- روند ادغام شمال شرق
- وضعیت زندانیان داعش

- سطح رقابت منطقه‌ای
 - وضعیت سرمایه‌گذاری خارجی
 - کنترل مرزها و اقتصاد غیررسمی
- این شاخص‌ها به تحلیل عمق و پایداری هر سناریو کمک می‌کنند.

جمع‌بندی ابزار تحلیل

جمع‌بندی ابزارهای تحلیل در این پژوهش نشان می‌دهد که چارچوب تحلیلی به‌صورت مرحله‌ای و پیوسته طراحی شده و از شناسایی متغیرها تا صورت‌بندی و ارزیابی سناریوها امتداد می‌یابد. در گام نخست، تحلیل محتوای کیفی برای استخراج پیشران‌های اصلی و روندهای ساختاری از داده‌های اسنادی و مصاحبه‌های خبرگان به‌کار می‌رود و بدین‌ترتیب، بنیان تحلیلی مدل شکل می‌گیرد. در ادامه، با بهره‌گیری از ماتریس تحلیل اثرات متقابل، روابط میان متغیرها سنجیده شده و پیشران‌های کلیدی از متغیرهای وابسته تفکیک می‌شوند تا منطق درونی نظام تحولات سوریه روشن شود.

بر اساس این نتایج، **دو عدم‌قطعیت محوری انتخاب و فرآیند سناریونویسی اکتشافی** آغاز می‌شود؛ به‌گونه‌ای که سناریوهای محتمل تا افق ۲۰۳۱ در قالب روایت‌های ساختاریافته تدوین و از منظر امنیت داخلی، انسجام سیاسی و امنیت منطقه‌ای تحلیل می‌شوند. سپس تحلیل تطبیقی سناریوها امکان ارزیابی پیامدهای راهبردی هر مسیر و استخراج دلالت‌های سیاستی را فراهم می‌سازد. در نهایت، با طراحی شاخص‌های هشدار زودهنگام، مدل پژوهش از حالت ایستا خارج شده و قابلیت پایش تحولات میدانی و سنجش احتمال حرکت به سوی هر سناریو را پیدا می‌کند. بدین‌ترتیب، مجموعه ابزارهای تحلیلی این پژوهش یک زنجیره منسجم از کشف پیشران‌ها تا ارزیابی آینده‌های بدیل سوریه را شکل می‌دهد.

۹-۴- جامعه آماری، گروه نمونه و روش نمونه‌گیری

با توجه به ماهیت کیفی و آینده‌پژوهانه پژوهش حاضر، جامعه آماری به‌صورت آماری و کمی تعریف نمی‌شود؛ بلکه در بخش تکمیلی تحقیق که به اعتبارسنجی پیشران‌ها و عدم‌قطعیت‌های بحرانی اختصاص دارد، جامعه آماری شامل خبرگان و متخصصان حوزه روابط بین‌الملل، مطالعات خاورمیانه و آینده‌پژوهی خواهد بود.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش (در مرحله مصاحبه خبرگان) عبارت است از:

- اعضای هیئت علمی رشته‌های روابط بین‌الملل، علوم سیاسی و مطالعات منطقه‌ای؛
- پژوهشگران و تحلیلگران حوزه تحولات سوریه و امنیت خاورمیانه؛

- متخصصان آینده‌پژوهی و سناریونویسی؛
- کارشناسان فعال در اندیشکده‌ها و مراکز پژوهشی مرتبط با مسائل سوریه.

گروه نمونه

از میان جامعه آماری مذکور، تعداد ۱۰ تا ۱۵ نفر از خبرگان بر اساس اصل «اشباع نظری» به‌عنوان گروه نمونه انتخاب خواهند شد. معیار اشباع نظری به این معناست که مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه می‌یابد که داده‌های جدید و متمایزی حاصل نشود.

این تعداد در پژوهش‌های کیفی و آینده‌پژوهانه، حجم نمونه‌ای مناسب و قابل دفاع محسوب می‌شود و امکان تحلیل عمیق و کیفی دیدگاه‌ها را فراهم می‌آورد.

روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری در این پژوهش **نمونه‌گیری هدفمند (Purposive Sampling)** است. در این روش، افراد بر اساس معیارهای تخصصی و میزان آگاهی آن‌ها نسبت به موضوع تحقیق انتخاب می‌شوند، نه به‌صورت تصادفی.

معیارهای انتخاب نمونه شامل موارد زیر است:

- داشتن سابقه پژوهش یا انتشار آثار علمی در زمینه سوریه یا امنیت خاورمیانه؛
- تخصص در آینده‌پژوهی، سناریونویسی یا تحلیل راهبردی؛
- تجربه فعالیت در حوزه سیاست‌گذاری، تحلیل منطقه‌ای یا اندیشکده‌های مرتبط.

در صورت لزوم، برای تکمیل فهرست خبرگان از روش **نمونه‌گیری گلوله‌برفی** نیز استفاده خواهد شد؛ بدین معنا که افراد منتخب اولیه، سایر متخصصان واجد شرایط را معرفی می‌کنند.

نکته روش‌شناختی

لازم به ذکر است که بخش اصلی پژوهش مبتنی بر تحلیل اسنادی و سناریونویسی است و استفاده از خبرگان صرفاً در جهت اعتبارسنجی و اولویت‌بندی پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های بحرانی صورت می‌گیرد. بنابراین، پژوهش وابسته به پیمایش آماری گسترده نیست و چارچوب نمونه‌گیری کاملاً با ماهیت کیفی و آینده‌پژوهانه تحقیق سازگار است.

سناریوی مطلوب ایران: «سوریه باثبات همکار، بدون میدان درگیری»

در این سناریو، سوریه تا ۲۰۳۱ به سطحی از ثبات نسبی امنیتی و انسجام حکمرانی می‌رسد؛ ادغام نهادهای نیروهای مسلح و انتظامی (به‌ویژه پرونده شمال شرق) پیش می‌رود؛ تهدید داعش و بازتولید افراط‌گرایی مهار می‌شود؛ کنترل مرزها و اقتصاد غیررسمی تقویت می‌گردد؛ و رقابت‌های منطقه‌ای در خاک سوریه از فاز تقابل سخت به «مدیریت و بازدارندگی» منتقل می‌شود. نتیجه مطلوب برای ایران، تبدیل سوریه به «شریک امنیتی-سیاسی قابل اتکا» است، نه «میدان فرسایشی رقابت»

مفروضات کلیدی سناریو مطلوب

- دولت مرکزی در دمشق تثبیت می‌شود و مشروعیت حداقلی/کارکردی می‌یابد.
- ادغام شمال شرق با سازوکار حقوقی-نهادهای و مشارکت محلی پیش می‌رود (نه حذف و تقابل)
- پرونده زندانیان/کمپ‌های مرتبط با داعش با چارچوب امنیتی-حقوقی پایدار مدیریت می‌شود.
- رقابت منطقه‌ای (ترکیه، اسرائیل، عربستان و...) مهار می‌شود و به مرز «کنترل‌شده» می‌رسد.
- بازسازی اقتصادی با سرمایه‌گذاری خارجی (به‌ویژه عربی/خلیجی) شکل می‌گیرد، اما به حذف کامل ایران منجر نمی‌شود.

اهداف راهبردی ایران در این سناریو

۱. امنیتی: جلوگیری از احیای داعش، مهار ناامنی شرق و بادیاء، تثبیت مرزهای سوریه-عراق، کاهش ریسک نفوذ و قاچاق/اقتصاد مرزی بی‌ثبات‌ساز.
۲. ژئوپلیتیکی: کاهش سطح برخورد مستقیم با اسرائیل و جلوگیری از «بین‌المللی شدن» تقابل در سوریه؛ مدیریت رقابت با ترکیه و عربستان از مسیر ترتیبات امنیتی/اقتصادی.
۳. نهادی-حکمرانی: تقویت ظرفیت دولت مرکزی سوریه و نهادهای رسمی به‌جای شبکه‌های موازی؛ حمایت از ادغام نیروهای محلی در چارچوب دولت.
۴. اقتصادی: مشارکت هدفمند در بازسازی (انرژی، حمل‌ونقل، زیرساخت‌های حیاتی، تجارت مرزی قانونی) و کاهش وابستگی به اقتصاد غیررسمی.
۵. اجتماعی-سیاسی: کاهش شکاف‌های قومی-مذهبی از طریق سازوکارهای اعتمادساز و عدالت انتقالی حداقلی، برای جلوگیری از بحران‌های دوره‌ای.

ابزارها و اهرم‌های تحقق سناریوی مطلوب

- **اهرم امنیتی :** همکاری اطلاعاتی - ضدتروریسم، کمک به بازسازی ساختارهای رسمی امنیتی سوریه، و تمرکز بر کنترل بادی/مرزها.
- **اهرم نهادی :** حمایت از «ادغام» به جای «تکثر مسلحانه»؛ تقویت زنجیره فرماندهی رسمی و سازوکارهای حکمرانی محلی.
- **اهرم دیپلماتیک :** حرکت به سمت ترتیبات کاهش تنش منطقه‌ای (خصوصاً در شمال و جنوب سوریه) برای کم کردن هزینه‌های اصطکاک.
- **اهرم اقتصادی :** ورود به پروژه‌های قابل دفاع و کم‌ریسک (زیرساخت/انرژی/ترانزیت/کشاورزی/تجارت مرزی رسمی) و پرهیز از وابستگی به شبکه‌های پرهزینه.
- **اهرم اجتماعی :** کار با بازیگران محلی (قبایل/جوامع محلی) در قالب برنامه‌های خدماتی و بازسازی، برای کاهش زمینه‌های جذب داعش.

شاخص‌های هشدار زود هنگام سناریوی مطلوب (برای پایش مسیر)

- سرعت و کیفیت ادغام شمال شرق در چارچوب دولت (پیشرفت حقوقی-نهادی، سطح تنش)
- وضعیت زندان‌ها/کمپ‌های داعش (فرار، شورش، انتقال، سازوکار قضایی)
- روند ناامنی در بادی و شرق (حملات، ترور، قطع مسیرها)
- سطح رقابت منطقه‌ای در خاک سوریه (شدت تنش، حملات، خطوط تماس)
- میزان سرمایه‌گذاری خارجی پایدار و پیوند آن با ثبات امنیتی/حکمرانی.
- کاهش یا افزایش اقتصاد غیررسمی و قاچاق مرزی.

روایت فشرده سناریو (خروجی سناریونویسی)

اگر سناریوی «تجزیه یا چندپارگی ساختاری کشور» به‌عنوان یکی از مسیرهای اصلی محتمل در نظر گرفته شود، سناریوی مطلوب جمهوری اسلامی ایران در این وضعیت، نه پذیرش تجزیه به‌عنوان یک هدف، بلکه «مدیریت چندپارگی به‌گونه‌ای که از تبدیل آن به تهدید امنیتی مستقیم علیه ایران جلوگیری شود» خواهد بود.

در این سناریو، سوریه تا افق ۲۰۳۱ به یک ساختار رسمی فدرالی یا غیررسمی چندمنطقه‌ای تقسیم می‌شود؛

- شمال شرق دارای خودگردانی گسترده،
- شمال غرب تحت نفوذ ترکیه،
- مناطق ساحلی
- مرکزی تحت کنترل دولت دمشق

- و برخی نواحی شرقی با ساختارهای نیمه‌مستقل اداره می‌شوند.

اقتدار دولت مرکزی تضعیف می‌شود، اما فروپاشی کامل رخ نمی‌دهد و حداقلی از هماهنگی میان واحدهای سیاسی باقی می‌ماند.

سناریوی مطلوب ایران در چنین وضعیتی، «حفظ پیوستگی راهبردی و جلوگیری از بی‌ثباتی زنجیره‌ای» است. به این معنا که حتی در صورت چندپارگی سیاسی، سوریه به میدان درگیری گسترده منطقه‌ای یا احیای تروریسم فراملی تبدیل نشود. اولویت نخست ایران در این وضعیت، جلوگیری از شکل‌گیری خلأ امنیتی در شرق و مناطق مرزی با عراق است؛ زیرا هرگونه خلأ قدرت می‌تواند به احیای داعش یا بازیگران رادیکال منجر شود و امنیت عراق و به تبع آن امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار دهد.

در بعد ژئوپلیتیکی، مطلوب ایران آن است که تجزیه سوریه به معنای استقرار پایگاه‌های نظامی رقیب در واحدهای جدید سیاسی نباشد و سطح رقابت منطقه‌ای در این جغرافیا مدیریت‌پذیر باقی بماند. به‌ویژه جلوگیری از تبدیل شمال‌شرق یا جنوب سوریه به سکوی فشار امنیتی علیه محور مقاومت، یکی از شروط اصلی این سناریو محسوب می‌شود.

در سطح نهادی، حتی در صورت تضعیف دولت مرکزی، حفظ یک هسته حکمرانی در دمشق که بتواند هماهنگی امنیتی حداقلی را میان مناطق مختلف برقرار کند، برای ایران اهمیت راهبردی دارد. ایران در این سناریو از تقویت سازوکارهای امنیت مرزی، همکاری اطلاعاتی با بازیگران محلی و تمرکز بر ثبات مناطق همجوار با عراق حمایت خواهد کرد، نه از ورود به رقابت پرهزینه برای کنترل سراسر جغرافیای سوریه.

در بعد اقتصادی، سناریوی مطلوب آن است که مسیرهای ترانزیتی و کریدورهای تجاری سوریه-عراق-ایران دچار گسست کامل نشود و امکان همکاری اقتصادی با واحدهای سیاسی مختلف، ولو در چارچوب‌های منطقه‌ای و محلی، حفظ گردد.

تمرکز بر پروژه‌های زیرساختی مرزی، انرژی و تجارت قانونی می‌تواند از گسترش اقتصاد غیررسمی و شبکه‌های بی‌ثبات‌کننده جلوگیری کند.

به‌طور خلاصه، در سناریوی تجزیه سوریه، مطلوب راهبردی ایران نه بازگرداندن فوری وحدت کامل سرزمینی، بلکه «مدیریت چندپارگی با هدف جلوگیری از فروپاشی امنیتی، مهار تروریسم، کنترل رقابت منطقه‌ای و حفظ پیوستگی ژئوپلیتیکی» است. هرچه این چهار مؤلفه بهتر مدیریت شوند، احتمال تبدیل تجزیه به یک وضعیت مهارشده و کم‌هزینه افزایش می‌یابد؛ در غیر این صورت، خطر سرایت بی‌ثباتی به عراق و تشدید رقابت‌های منطقه‌ای، امنیت ملی ایران را در افق ۲۰۳۱ با چالش جدی مواجه خواهد کرد.

۱۰- فهرست منابع

الف) منابع انگلیسی

۱. Daher, J. (۲۰۱۹). *Syria after the uprisings: The political economy of state resilience*. Pluto Press.
۲. Hinnebusch, R. (۲۰۱۹). *The political economy of the Syrian conflict*. Lynne Rienner Publishers.
۳. International Crisis Group. (۲۰۱۹-۲۰۲۵). *Reports on Syria*. Brussels: ICG.
۴. United Nations Security Council. (۲۰۱۹-۲۰۲۶). *Reports of the Secretary-General on the situation in Syria*. United Nations.
۵. UNHCR. (۲۰۲۴-۲۰۲۵). *Syria situation reports*. United Nations High Commissioner for Refugees.
۶. World Bank. (۲۰۲۰-۲۰۲۴). *Syria economic monitor*. Washington, DC: World Bank.
۷. Carnegie Middle East Center. (۲۰۲۰-۲۰۲۵). *Publications on Syria's political transition and regional dynamics*. Carnegie Endowment for International Peace.
۸. Middle East Institute. (۲۰۲۱-۲۰۲۵). *Analyses on eastern Syria and tribal dynamics*. Washington, DC.
۹. Chatham House. (۲۰۲۰-۲۰۲۴). *Syria and regional power competition reports*. London: Royal Institute of International Affairs.
۱۰. OECD. (۲۰۲۱). *Strategic foresight for better policies*. OECD Publishing.

ب) منابع فارسی

۱. احمدی، سیدحسین. (۱۳۹۹) "تحولات ژئوپلیتیکی سوریه و پیامدهای منطقه‌ای آن" فصلنامه مطالعات خاورمیانه.
۲. قاسمی، علی. (۱۴۰۰) "دولت‌سازی پساجنگ و چالش‌های بازسازی در کشورهای بحران‌زده (مطالعه موردی سوریه)" پژوهش‌های روابط بین‌الملل.
۳. نجفی، محمدرضا. (۱۳۹۹) "کاربرد سناریونویسی در مطالعات راهبردی" فصلنامه آینده‌پژوهی.
۴. سلیمانی، رضا. (۱۴۰۱). "رقابت بازیگران منطقه‌ای در بحران سوریه پس از ۲۰۱۹" فصلنامه سیاست خارجی.
۵. حسینی، مهدی و کریمی، سعید. (۱۴۰۲) "اقتصاد سیاسی بازسازی سوریه و نقش سرمایه‌گذاری خارجی" فصلنامه اقتصاد سیاسی بین‌الملل.

۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۴-۱۴۰۲) گزارش‌های تحلیلی درباره تحولات سوریه و امنیت منطقه‌ای.

۷. مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه. (۱۴۰۴-۱۴۰۱) گزارش‌های تحلیلی درباره آینده سیاسی سوریه.